

فراخوان همکاری

نظر به گستردگی فعالیت‌های روزنامه شهروند و توجه ویژه مسئولان آن به وضعیت جای جای کشور، راه‌اندازی صفحه سرزمین با هدف پرداختن به مشکلات و معضلات مردم در استان‌ها در دستور کار قرار گرفت که در این مسیر پرداختن به اقوام مختلف نیز در سرلوحه کار قرار دارد. براین اساس صفحه سرزمین پنجره‌ای است به سوی هر دیار و در این مسیر دست همکاری مسئولان، اساتید، کارشناسان، دانشجویان و اهل فن را به گرمی می‌فشاریم تا در جهت پر بارتر کردن آنچه پیش روی شما قرار دارد، بکوشیم.

sarzamin@shahrvand-newspaper.ir
سامانه پیام‌کوتاه ۹۷۰۰۰۰۳۰

گزارش

تولید محصول با طعم پساب در بجنورد

چند سالی است که صحبت استفاده از محصولات ارگانیک کشاورزی بین مردم و مسئولان به گوش می‌رسد و از سوی دیگر تعداد زیادی از افراد نیز به دلیل این که این نوع محصولات پاک‌تر تولید می‌شوند و به منظور جلوگیری از ابتلا به برخی از بیماری‌ها نظیر سرطان روی به مصرف آنها آورده‌اند.

به گزارش ایسنا، به‌رغم آن که بارها در خصوص مضرات استفاده از سم، فاضلاب انسانی و پساب تصفیه‌خانه‌ها بر بدن انسان‌ها و عدم استفاده آنها در تولید محصولات کشاورزی صحبت شده است، اما هنوز شماری از کشاورزان هستند که به منظور افزایش اندک تولید اقدام به استفاده از این مواد می‌کنند.

پساب تصفیه‌خانه بجنورد یکی از مواردی است که گاهی شماری از کشاورزان که در اطراف این واحد زندگی می‌کنند، اقدام به استفاده از آن کرده‌اند که در این خصوص تعدادی از مسئولان ذریب‌توضیحاتی را ارائه داده‌اند.

مدیر گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در این باره گفت: تاکنون چندین جلسه درخصوص این که آیا استفاده از پساب‌های تصفیه‌خانه بجنورد در مزارع کشاورزی حوالی این واحد مورد تأیید است یا خیر برگزار شده و در سال گذشته مصوباتی نیز به‌همراه داشته‌است.

محمود بهینیا افزود: قرار بر این شد تا اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان نمونه‌گیری و آزمایشاتی از پساب‌های این تصفیه‌خانه داشته باشد تا مشخص شود که این پساب‌ها برای کشاورزی مناسب‌است یا خیر.

وی ادامه داد: همچنین در این جلسه مصوب شد تا در صورت عدم تأیید سازمان جهاد کشاورزی استفاده از این پساب‌ها به کشاورزان اعلام کنند.

بهینیا با اشاره به این که با این وجود کشاورزان از این پساب‌ها استفاده می‌کنند، توضیح داد: در صورت تأیید برای استفاده در بخش کشاورزی، به علت با بودن سطح آب‌های زیرزمینی در این منطقه، این پساب‌ها آلودگی بهداشتی را برای آب‌های زیرزمینی به‌همراه دارند.

وی تصریح کرد: این منطقه به اندازه کافی از چاه‌های کشاورزی برخوردار است و کشاورزان نیازی به استفاده از این پساب‌ها ندارند.

وی تأکید کرد: اگر این پساب برای تولید محصولات کشاورزی مساله‌ای هم نداشته باشد، کشاورزان باید در تولید محصولات غذای مانند سیب‌زمینی از این پساب‌ها استفاده نکنند.

این مسئول اظهار کرد: بعد از این که این پساب از تصفیه‌خانه خارج می‌شود، شرکت آب منطقه‌ای آن را به کشاورزان واگذار می‌کند و این شرکت باید از محل تصفیه‌خانه تا پشت کوه باهاموسی به منظور انتقال پساب‌ها لوله‌کشی انجام می‌دهد. مدیر کل حفاظت

محیط‌زیست خراسان شمالی نیز با اشاره به این که نمونه‌گیری‌های لازم از پساب‌های تصفیه‌خانه بجنورد انجام شده‌است، ادامه داد: این پساب‌ها از لحاظ بار آلودگی و میکروبی مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. علی‌اصغر مطهری با تأکید بر این که ما تاکنون مجوزی در خصوص استفاده

از پساب‌های تصفیه‌خانه بجنورد به کشاورزان اطراف این واحد صادر نکرده‌ایم، بیان کرد: این اداره کل استفاده از این پساب‌ها را در بخش کشاورزی تأیید نمی‌کند. وی افزود: استفاده از این پساب‌ها در بخش زراعی ممنوع بوده و اگر کشاورزی می‌خواهد از این پساب استفاده کند ترجیحاً برای درختان غیر مثمر مانند چنار باشد.

مدیر حفاظت شرکت آب و منطقه‌ای خراسان شمالی نیز اظهار کرد: این شرکت مجوز استفاده از این پساب‌ها را به کشاورزان نداده و هر کشاورزی که از این پساب‌ها استفاده می‌کند، غیرقانونی است.

واسطه در خصوص انتقال پساب‌های تصفیه‌خانه بجنورد به پشت کوه باهاموسی توضیح داد: ما اکنون پروژه لوله‌گذاری و انتقال آن در حال اجراست.

وی تصریح کرد: این پساب‌ها به رودخانه‌ای با نام شاه‌جوب که حالت خود پالایی دارد، منتقل می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان شمالی نیز با تأکید بر این که در صورت مشاهده استفاده از این گونه پساب‌ها در زمین‌های کشاورزی، محصول تولیدی معدوم خواهد شد و متخلف به مراجع قضایی ارجاع داده خواهد شد، توضیح داد: طی سال‌های گذشته بر خورد‌هایی به‌علت بروز این گونه تخلف‌ها داشته‌ایم.



عکس: مهدی افروزمنش

حکایت ساخت‌وساز در روستای زیارت

قصه مرگ یک روستا

| مهدی افروزمنش

۳ میلیون فروش می‌رود. معاملات ملک‌های با دلی هم می‌گوید در منطقه هم قیمت آپارتمان‌ها تا ۴ میلیون است. روستای زیارت داخل دره است. دره‌ای که دو طرف با جنگل پوشانده شده و روزی نیست که مه‌آلود

نماند. هوای مطبوعی دارد که اختلاف دمایش با شهر گرگان در حدود ۱۰ درجه گفته می‌شود. روستای کوچکی بوده که اهالی اش کفش را به جای اسفالت سنگ‌فرش می‌کردند تا در پیچ و خم‌های مرتفع و پست روستا کسی سر نخورد، خانه‌ها را با چوب می‌ساختند و بیشتر دامداری می‌کردند.

پنیرش در سرتاسر استان معروف است و حتی تا آنجا پیش رفت که صادرش کردند و مشتری داشت اما با هجوم بسازو بفروش‌ها، که قیمت زمین‌ها بالا رفت، که زمین‌های دولتی را غصب کردند، که زمین‌های زراعی را تغییر کاربری دادند و پول دیگر کمتر محلی در روستا هست و بیشتر غریبه‌ها هستند. غریبه‌ها که آمدند گاو‌داری عیب شد، حتی کشاورزی و این روزها کار به جایی رسیده است که اهالی پنیر شرکتی می‌خرند و روغن حیوانی کمیاست. ننه‌نادر همه اینها را تقصیر جاده می‌داند. جاده‌ای که سال ۸۳ جاده ناهارخوران را به روستای زیارت وصل کرد و بعدش همه هجوم آوردند. اما داخل قهوه‌خانه مرده‌ای کلاه پشمی به سر هیچ کدام موافق نیستند. آنها که زمین‌هایشان را فروختند و با پولش زندگی می‌کنند بیشتر مخالفند باقی کمتر. اما همه‌گی از این که شهر داری که چشم‌هایش را بسته که محیط زیست و منابع طبیعی ساکت نشسته‌اند، می‌گویند و هر کدام که جایی را هورتی بالا می‌اندازند نظر به‌ای هم می‌دهند. نظر به‌ای که می‌گوید «می‌شد آنتور باشد یا اینطور».

در قهوه‌خانه باز می‌شود و راننده‌ای که بارش بلوک است دنبال کسی است. میانسالی که خودش را پیچیده در شال گردن و کلاه و استکانش را زمین می‌گذارد و می‌رود که مصالح ساختمان را تحویل بگیرد.

در زیارت قصه‌ای است که به احتمال زیاد واقعی است. قصه اسماعیل زیارتی، مرد قوی هیکلی که روزی با یکی از قهرمانان کشتی ایران کشتی گرفت و چون زورش زیاد بود و کشتی را هم بلد نبود قهرمان را چنان کوبید زمین که مرد اهالی روستا اسماعیل را نماد زور و مطلب را نماد عقل روستا می‌دانند اما با این حال همان طور که گل ممد می‌گوید، روزگار زیارت گذشته و دور دور بسازو بفروش‌هاست تا وقتی که زیارت هم مثل گرگان شود از دست اسماعیل و مطلب هم کاری بر نمی‌آید.

فقد مجوز ساخت هستند اما به سادگی ساخته‌اند و می‌سازند، به سادگی فعالیت می‌کنند و گله‌گله مغازه‌های مصالح‌فروشی است که کارشان سکه است.

ابوذر ۲۹ ساله که خانه‌اش وسط روستاست و در زمین‌های پشت جنگل کشاورزی و دامداری می‌کند، می‌گوید: «الکی می‌کن، به چیزی می‌دن و کارشون رو به راحتی می‌کنند. اگه واقعا ممنوع بود که این همه ساختمان سبز نمی‌شد اینجا».

مه تا پایین آمده، جنگل را سراسر گرفته و روستا شد روستای زیارت. البته هستند کسانی هم که در کنار این روایت روستا و درخت‌های چند صد ساله و طبیعت خسار العاداش را زینت‌تگاه گردشگران و طبیعت‌گردان می‌دانند. اما مزاده اصلی اما درست در وسط روستاست، کنار رودخانه‌ای که می‌گذرد و در حاشیه‌اش جنگل و زندگی است.

در زیارت دو آبشار و همچنین استخر آبگرم هم وجود دارد و از لحاظ معماری نیز بیشتر با چوب و خیزران ساخته شده بود. اتفاقی که البته با وجود ثبت در آثار ملی این روزها دست‌خوش تغییرات بسیار است. آنچنان که ستون‌های بتونی خانه‌ها و خانه‌های سیمانی جای خانه‌های محلی را گرفته است. این روستا بازمانده‌ای از شهری بزرگ است که معلوم نیست چه بر سر آن آمده است و آثار به جا مانده بر اثر رطوبت، باران و... از بین رفته جز تعدادی که نشان از قدمت چند هزار ساله دارد. گل ممد کاسه چایی را در آشپزخانه مسجد محل سر می‌کشد. از پنجره نگاه می‌کند به منظره بیرون می‌اندازد که مه سراسرش را در بر گرفته است و می‌گوید: «اینجا دیگه روستا نیست، شهره، نمایی فیم‌چراپیش می‌کن روستا». ساختمان‌های توی جنگل را نشان می‌دهد و می‌گوید، «اینجا روستا را خراب کرده‌اند».

روستای زیارت با یک پل کوچک از نقطه قبل خودش جدا می‌شود، جایی که سال‌ها قبل زمین روستاییان بوده و این روزها خیابانی ۲۰ متری که دو طرفش آپارتمان‌های ۵ تا ۷ طبقه ساخته شده است. زمین‌ها را فروختند و ساختمان‌ها ساختند. شد. آنهایی هم که زورشان می‌رسید در دل جنگل ویلا ساختند. روستاییان آنها را مدیران دولتی و حکومتی معرفی می‌کنند.

بنابراین در ورود به روستای زیارت بایستی از میان ساختمان‌هایی عبور کرد که تمام چشم‌انداز روستا و جنگل را به خود اختصاص داده‌اند و به هنگام ورود به روستا هم اولین نکته حضور لردها و مصالح ساختمانی است که جلب توجه می‌کند.

ساخت‌وساز در منطقه زیارت ممنوع است

ساختمان‌های ۱۰ و ۲۰ واحدی بدون استفتا

«روستایی‌ها از پیش شاه برآمدند اما بعید می‌دانم از پس بسازو بفروش‌ها بر بیایند».

روستای زیارت در ۷ کیلومتری شهر گرگان پاییز بود و هوای «زیارت» رو به سردی می‌رفت اما نه آن قدر که در روستا هر کسی رویش را از مطلب برگرداند یا سرش را طوری بخراند که انگار او را ندیده است. اما این اتفاق افتاد چون همه فکر می‌کردند حکم تخلیه روستا به خاطر کاری است که او سال قبل انجام داده بود. وقتی که شاه به گیلان سفر کرد و رفت به سینما و تنها یک نفر به پایش بلند نشد و او «مطلب» بود که همون وقت هم بازداشت و مدت‌ها زندانی بود. حکم تخلیه روستا ربطی به کار «مطلب» نداشت، شاه می‌خواست که مردم روستا را شهر نشین کند پس حکم تخلیه روستا صادر شده بود و این بزرگترین اتفاقی است که در روستای زیارت رخ داده است. روستایی در ۷ کیلومتری شهر گرگان که بسیاری آن را تکه‌ای از بهشت می‌دانند. بهشت روی کوه‌ها، با آبشاری و جنگلی، روستا در واقع در یک دره است. دره‌ای بسیار سرسبز که برای اهالی جذا از زیبایی نان و آب است. با برگ‌هایش دام‌هایشان را می‌چرانند و با رودخانه‌هایش زمین‌هایشان را آبیاری می‌کنند. گهگاهی هم شکار سمور و پرند که البته مدت‌هاست کمتر شده‌است.

«مطلب» تا سال‌ها، حتی وقتی اهالی روستا به جنوب گرگان کوچ داده شدند همچنان عامل «در به‌داری» بود اما هیچ وقت از اهالی جدا نشد و جزو اولین کسانی هم بود که ۱۰ سال بعد تصمیم گرفتند به‌رغم همه ممانعت‌های دولتی به روستا برگردند. نوه مطلب این روزها در روستای زیارت به نقل از مادرش سخنی‌های زیادی را در آن روزها برمی‌شمارد، روزهایی که پلیس هر روز می‌آمد و وسایلیشان را بیرون می‌یخت، خانه‌ها را خراب کرده بودند و مطلب و زن و بچه‌اش در چادر زندگی می‌کردند و حتی کم‌کم مجبور شدند بروند به داخل جنگل تا این که کم‌کم اوضاع بهتر شد و مطلب خانه قبلی را بازسازی کرد. دیگر ۲۰ سالی گذشته بود و شاه پسر قصد سفر به گیلان کرد. مطلب که خیردار شد به سینمای گیلان رفت. چند تاز هم ولایتی‌ها را هم برد و همانجا از شاه پرسید که آیا او باعث تخلیه روستا در زمان پدرش شده یا نه. شاه که از چیزی خبر نداشت، گفت نه و از روستا و اهالی‌اش تعریف کرد. اهالی هم شنیدند. یک‌سال بعد هم دولت به زمین‌های روستا سند داد و این همه به پای «مطلب» نوشته شد و «مطلب» این بار ناجی روستا شد. گل ممد نوه ۴۷ ساله «مطلب» این روزها هنوز در همان خانه زندگی می‌کند و خاطرات زیادی هم از مطلب دارد، در مسجد روستا آشپزی می‌کند و با حسرت می‌گوید،

روستای زیارت با یک پل کوچک از نقطه قبل خودش جدا می‌شود، جایی که سال‌ها قبل زمین روستاییان بوده و این روزها خیابانی ۲۰ متری که دو طرفش آپارتمان‌های ۵ تا ۷ طبقه ساخته شده است. زمین‌ها را فروختند و ساختمان‌ها ساختند. شد. آنهایی هم که زورشان می‌رسید در دل جنگل ویلا ساختند. روستاییان آنها را مدیران دولتی و حکومتی معرفی می‌کنند.

بنابراین در ورود به روستای زیارت بایستی از میان ساختمان‌هایی عبور کرد که تمام چشم‌انداز روستا و جنگل را به خود اختصاص داده‌اند و به هنگام ورود به روستا هم اولین نکته حضور لردها و مصالح ساختمانی است که جلب توجه می‌کند.

ساخت‌وساز در منطقه زیارت ممنوع است

ساختمان‌های ۱۰ و ۲۰ واحدی بدون استفتا

سال ۱۳۲۰ «مطلب» که از زندان آزاد شد، هیچ‌کس به استقبالش نرفت، وقتی رسید حتی کسی در روستا جواب سلامش را هم نداد. اوایل پاییز بود و هوای «زیارت» رو به سردی می‌رفت اما نه آن قدر که در روستا هر کسی رویش را از مطلب برگرداند یا سرش را طوری بخراند که انگار او را ندیده است. اما این اتفاق افتاد چون همه فکر می‌کردند حکم تخلیه روستا به خاطر کاری است که او سال قبل انجام داده بود. وقتی که شاه به گیلان سفر کرد و رفت به سینما و تنها یک نفر به پایش بلند نشد و او «مطلب» بود که همون وقت هم بازداشت و مدت‌ها زندانی بود. حکم تخلیه روستا ربطی به کار «مطلب» نداشت، شاه می‌خواست که مردم روستا را شهر نشین کند پس حکم تخلیه روستا صادر شده بود و این بزرگترین اتفاقی است که در روستای زیارت رخ داده است. روستایی در ۷ کیلومتری شهر گرگان که بسیاری آن را تکه‌ای از بهشت می‌دانند. بهشت روی کوه‌ها، با آبشاری و جنگلی، روستا در واقع در یک دره است. دره‌ای بسیار سرسبز که برای اهالی جذا از زیبایی نان و آب است. با برگ‌هایش دام‌هایشان را می‌چرانند و با رودخانه‌هایش زمین‌هایشان را آبیاری می‌کنند. گهگاهی هم شکار سمور و پرند که البته مدت‌هاست کمتر شده‌است.

«مطلب» تا سال‌ها، حتی وقتی اهالی روستا به جنوب گرگان کوچ داده شدند همچنان عامل «در به‌داری» بود اما هیچ وقت از اهالی جدا نشد و جزو اولین کسانی هم بود که ۱۰ سال بعد تصمیم گرفتند به‌رغم همه ممانعت‌های دولتی به روستا برگردند. نوه مطلب این روزها در روستای زیارت به نقل از مادرش سخنی‌های زیادی را در آن روزها برمی‌شمارد، روزهایی که پلیس هر روز می‌آمد و وسایلیشان را بیرون می‌یخت، خانه‌ها را خراب کرده بودند و مطلب و زن و بچه‌اش در چادر زندگی می‌کردند و حتی کم‌کم مجبور شدند بروند به داخل جنگل تا این که کم‌کم اوضاع بهتر شد و مطلب خانه قبلی را بازسازی کرد. دیگر ۲۰ سالی گذشته بود و شاه پسر قصد سفر به گیلان کرد. مطلب که خیردار شد به سینمای گیلان رفت. چند تاز هم ولایتی‌ها را هم برد و همانجا از شاه پرسید که آیا او باعث تخلیه روستا در زمان پدرش شده یا نه. شاه که از چیزی خبر نداشت، گفت نه و از روستا و اهالی‌اش تعریف کرد. اهالی هم شنیدند. یک‌سال بعد هم دولت به زمین‌های روستا سند داد و این همه به پای «مطلب» نوشته شد و «مطلب» این بار ناجی روستا شد. گل ممد نوه ۴۷ ساله «مطلب» این روزها هنوز در همان خانه زندگی می‌کند و خاطرات زیادی هم از مطلب دارد، در مسجد روستا آشپزی می‌کند و با حسرت می‌گوید،

روستای زیارت با یک پل کوچک از نقطه قبل خودش جدا می‌شود، جایی که سال‌ها قبل زمین روستاییان بوده و این روزها خیابانی ۲۰ متری که دو طرفش آپارتمان‌های ۵ تا ۷ طبقه ساخته شده است. زمین‌ها را فروختند و ساختمان‌ها ساختند. شد. آنهایی هم که زورشان می‌رسید در دل جنگل ویلا ساختند. روستاییان آنها را مدیران دولتی و حکومتی معرفی می‌کنند.

بنابراین در ورود به روستای زیارت بایستی از میان ساختمان‌هایی عبور کرد که تمام چشم‌انداز روستا و جنگل را به خود اختصاص داده‌اند و به هنگام ورود به روستا هم اولین نکته حضور لردها و مصالح ساختمانی است که جلب توجه می‌کند.

ساخت‌وساز در منطقه زیارت ممنوع است

ساختمان‌های ۱۰ و ۲۰ واحدی بدون استفتا

دیار

سنگ‌های تاریخی با کاربری طاقچه

بقعه استاد حافظ انباری شده است

بقعه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی در شهرستان کازرون فارس که استاد حافظ شیرازی بوده این روزها شکل انباری به خود گرفته و حتی سنگ‌های تاریخی آن با کاربری طاقچه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به گزارش مهر، شیخ امین‌الدین محمد بلیانی در سال ۶۷۰ - ۶۵۰ هجری در کازرون به دنیا آمد. وی در ۷۷ سالگی در تاریخ ذی‌قعدة ۷۴۵ درگذشت.

وی یکی از عرفای تصوف نامدار زمان خود بوده است و بناهایی نظیر دارالشفا، قنات و... در شهرستان کازرون با همت وی ایجاد شد.

شیخ امین‌الدین محمد بلیانی معلم حافظ شیرازی نیز بوده و حافظ وی را در یکی از اشعار خود ستوده است.

بقعه شیخ امین‌الدین در شمال شهر کازرون واقع شده اما اکنون دوستداران میراث فرهنگی این شهرستان وضع بقعه را نامناسب و رو به زوال می‌دانند.

شهرستان کازرون در این باره گفت: بقعه شیخ امین‌الدین بلیانی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار تاریخی کازرون پس از بیش از ۷ قرن ماندگاری در این شهر، اکنون با چالش‌های اساسی دست و پنجه نرم می‌کند. محسن عباسپور افزود: چنانچه به صورت علمی و اصولی به حل آنها پرداخته نشود، شاهد تشدید روند تخریبی خواهیم بود که اکنون گریبانگیر این مجموعه و آثار سنگی پرارزش موجود در آن شده است.



وی اظهار داشت: شیخ امین‌الدین به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ کازرون است که تأثیر چشمگیری در تاریخ این سرزمین دارد با این وجود اکنون بقعه بر جای مانده از وی که می‌تواند به‌عنوان یکی از جاذبه‌های اصلی گردشگری در فضای شهری کازرون محسوب شود، شرایط نگران‌کننده‌ای به لحاظ حفظ آثار تاریخی دارد.

این فعال میراث فرهنگی افزود: چندسال پیش قرار بود این بقعه به موزه آثار سنگی کازرون تبدیل شود اما در حال حاضر با توجه به وضعیتی که در آن دیده می‌شود بیشتر به گورستان سنگ‌های تاریخی بدل شده به‌گونه‌ای که به وضوح شاهد بی‌توجهی‌های بارز و مشهود به آثار پرارزش سنگی هستیم که در این مجموعه وجود دارد.

عباسپور گفت: به‌عنوان نمونه در بخشی از مجموعه شاهد هستیم که یک گورنوشته تاریخی عملاً تبدیل به مطنقه‌ای برای نگهداری شیشه‌های آلبومو، روغن و... شده و حتی اجاق گاز نیز در فاصله چند سانتی متری از آن قرار گرفته است.

وی تأکید کرد: همچنین متأسفانه بر این گورنوشته تاریخی شاهد بروز آسیب‌های جدی هستیم که در زمان سفیدکاری و مرمت با صورت گرفته و از پراکندگی گچ روی آن کاملاً مشهود است که این سنگ هنگام مرمت دیوارها هیچ‌گونه حفاظتی نداشته است.

وی ادامه داد: در فضاهای مختلفی از این بنا شاهدیم که برخی از قطعات گورنوشته‌های تاریخی کازرون که هر یک می‌تواند برگ هویتی از تاریخ این شهرستان محسوب شده و گویای داده‌های متعدد مردم‌شناسی باشد با وضع نگران‌کننده‌ای نگهداری می‌شود و برخی از آنها به‌عنوان سنگی برای نگه‌داشتن یک پله فلزی استفاده شده‌اند، برخی دیگر در فضای بیرونی مجموعه تلباز شده‌اند و چند قطعه سنگ نیز در کنار ادوات غیرمرتبط با وضع نامناسب در مجموعه پراکنده شده‌اند.

عضو شورای هم‌اندیشان جوان شهرستان کازرون گفت: چنین وضعیتی نه در شأن تاریخ کازرون و نه مناسب برای بنای پرارزش تاریخی مانند بقعه شیخ امین‌الدین است.

وی گفت: فضایی که می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای فرهنگی پذیرای گردشگران، مردم‌پژوهان و پژوهشگران مطالعات تاریخی باشد نه این که فضایی متعدد داخلی آن تبدیل به انبار اقلامی شود که در جاهای دیگر هم می‌توانند نگهداری شوند.

عباسپور اظهار داشت: حداقل انتظار از دستگاه‌های ذریب‌ط این است که با لحاظ کردن شرایط تاریخی این مجموعه، چاره‌ای اساسی برای ساماندهی اصولی و علمی این بنای تاریخی اندیشیده شود و شرایطی را پدید آورند که این بنا حداقل در شأن قرن‌ها تاریخی باشد که با خود یدک می‌کشد، نه این که با توجه به وضع فعلی‌اش حکایت از بی‌تفاوتی مشهود به ارزش تاریخی آن داشته باشد.

خبر